

تاثیر بسیار بالای بازی‌ها بر فرهنگ و تربیت، افکار و شخصیت افراد نذر کارشناسان و خبرگان عرصه فرهنگ و تربیت امری بدیهه‌رفته شده است و جای هیچ شک و تردیدی در آن وجود ندارد. اما بازی‌ها در بستر زمان تغییرات زیادی به خود دیده‌اند و امروزه با ظهور نسل‌های جدید بازی‌های مجازی، دیگر مقوله اوقات فراغتی صرف به یک وسیله صرفاً سرگرمی و برای سپری کردن بخشی از اوقات فراغت، که به یک بستر جدید زندگی با فرهنگ و احکام مخصوص به خود در دنیای مجازی تبدیل شده است و ماهیت بازی از یک مقوله اوقات فراغتی صرف به یک مسئله استراتژیک بدل گشته است.

راقم این سطور بیشتر در یادداشتی با عنوان «بازی‌های رایانه‌ای از جهت‌دهی به افکار تا خدمت به استعمار نوین» در همین روزنامه، به بازی‌ها از صحنه‌هایی رواج خوشونت، هدایت افکار و سلاقی و شخصیت‌سازی در حد مجال پرداخت. این نسوع از بازی‌ها (بازی‌های هیجان‌انگیز و خشن) به جهت داشتن ویژگی‌های

غفلتی که تربیت مادران آینده را دچار اختلال می‌کند

داود موزدیان

نگاهی به اثرات منفی بازی‌های دیجیتال دخترانه

هیجان‌آور بیشتر برای جنس ذکور جذاب هستند در حالی که بانوان به دلیل داشتن روحیاتی لطیفتر و احساسی‌تر بودن نسبت به آقایان، به ندرت جذب بازی‌های هیجان‌انگیز و خشن می‌شوند. از این رو شرکت‌های بازیساز برای ذائقه‌لطفی و زلفه جنس مونث نیز دست به کار شده‌اند و با طراحی بازی‌هایی برای این جنس و ذائقه، از آنان نیز دعوت به ورود و زیستن در دنیای مجاز کردند.

تا اینجا شاید ظاهر قضیه عادی به نظر آید، حتی ممکن است برخی سؤال کنند که چه اشکالی در ذائقه سنجی و بازی‌سازی برای هر جنس و ذائقه‌ای وجود دارد بلکه این مورد بسیار هم خوب است، اما با اندکی جست‌وجو در بازار بازی‌های خاص دختران که در همه مارکت‌ها و اپلیکیشن‌ها به راحتی قابل داندو هستند از این نسوع پنداری خارج می‌شویم. با نگاهی به این بازارها به وفور بازی‌های دخترانه‌ای برخورد می‌کنیم که موضوعات آنها از قبیل آرایش، هالووین، دوستیابی (با جنس مخالف) و رفتن به محل قرار، آرایش قبل از ملاقات

پاسخ به یک سؤال ساده انگارانه

شاید مخاطب سؤال کند که مگر در جهان فعلی با این وسعت تکنولوژی و دنیای مجازی بی‌در و پیکرش با چنین صحنه‌هایی روبه‌رو نمی‌شود؟ فرزندان ما می‌توانند با فشردن تنها چند کلیک انبوهی از این صحنه‌ها و

نتایج درمانی ایران بهتر از آمریکا است گزارش ۳۰ سال درمان و کنترل سرطان سینه در ایران

رئیس مرکز تحقیقات سرطان ایران حاصل سسی سال کار تحقیقاتی در حوزه سرطان سینه را که افتخار علمی بزرگی برای هر ایرانی است در مطبی برای ارتقای سواد و آگاهی مردم کشورمان در قالب توصیه‌ها و نتایج این پژوهش سده‌های تشریح کرد.

به گزارش تسنیم، پروفیسور محمدسامعلی اکبر در مطبی تحقیقاتی که حاصل سی سال کار پژوهشی او و تیم تحقیقاتی‌اش است عنوان کرد: امروز در حال تکمیل مقاله‌ای علمی بودم تا گزارشی از عملکرد سی سال گذشته خودم و همکاریم در قبال بیماری سرطان سینه را به‌زبان بین‌المللی منتشر کنم؛ این عادت حسنه همه محققین جهان است. فکر کردم خلاصه‌ای از این گزارش را به مردم سرزمینم بدهم تا هم ادای دین کرد باشیم و هم بدانند که چه کرده‌ایم و در چه جایگاهی از درمان سرطان سینه در جهان قرار داریم.

«لهی و رنی تقبیل منا»
اینچگونه بعنوان گزارش «سی سال درمان و کنترل سرطان سینه در ایران» می‌خوانید حاصل زحمات همه همکاریان ارزشمند بنده است که در طی این سال‌ها افتخار همکاری با آنها را داشته‌ام.

- سرطان سینه شایع‌ترین سرطان در ایران حتی بین دو جنس مرد و زن است.
- در آخرین ثبت سرطان منتشرشده در سال ۱۳۹۲، جمعاً ۶۲۳ هزار و ۲۳۳ مورد سرطان جدید در کشور ثبت شده است که رقم بالایی نیست اما هر سال بین ۶ تا ۱۰ درصد رشد داشته است و انتظار می‌رود این رشد همچنان بالا بقی بماند.
- قریب ۹۸ درصد این سرطان در زنان و حدود دو درصد با کمتر در مردان ایرانی پیدا می‌شود.

- نکته جالب سنن جوان‌تر بیماران ایرانی در مقایسه با بیماران کشورهای غربی است؛ در کشور ما قریب ۱۷ درصد از بیماران زیر ۳۰ سال و ۲۵ درصد زیر چهار سال سن دارند که این جوانی ناشی از جوان بودن جمعیت کشور ماست.

- ماهیت سرطان سینه در کشور ما از نظر سلولی مولکولی کمی بدجنس‌تر از کشورهای دیگر است!

- اغلب این سرطان‌ها توسط خود بیماران کشف می‌شوند و آن هم زمانی که اندازه نورومشام حدود ۵-۳ سانتی‌متر است.
- بیماران در چهار مرحله بالینی معرفی و درمان می‌شوند:
مرحله اول وقتی است که سرطان فقط در داخل پستان است و اندازه آن هم کمتر از ۲ سانتی متر است.
مرحله دوم وقتی است که اندازه غده تا پنج سانتی‌متر می‌رسد یا از پستان بیرون آمده و به زیر بغل رفته است.
مرحله سوم پیشرفته‌تر بوده و هم‌اادی زیر ریه بیشتر است و هم اندازه تومور بزرگتر.
مرحله چهارم سرطان محدود به پستان و زیر بغل نبوده و به مناطق دوردست بدن، مثل استخوان‌ها، مفرجه کبد، ریه، مغز و غیره دست‌اندازی کرده است.
در-میتزایان ایران، حدود ۱۶ درصد در مرحله اول، ۴۶ درصد در مرحله دوم، ۳۲ در صد مرحله سوم و سه درصد در مرحله چهارم است.
این تقسیم‌بندی به‌عنوان مثال در هند به‌ترتیب ۱ درصد، ۲۳ درصد و ۵۲، درصد و ۲۴ درصد است که خیلی وضعیت بدی نسبت به کشور ما دارند که قطعاً به‌روی نتایج درمان آنها هم تأثیر گذار است. اما این مراحل بالینی در آمریکا ۵۶ درصد در مرحله اول، ۳۴ درصد در مرحله دوم، ۶ درصد سوم و ۴ درصد چهارم است که با ما هم‌اندکی تفاوت زیادی دارند، اگرچه در نتیجه درمان اختلاف کم و جهمدالها تا وضعیت بهتری دیده

اجتماعی Ejtmaee @kayhan.ir

موقعیت‌ها را احضار کنند.

در پاسخ باید گفت که متأسفانه این سخن واقعیت دارد اما تفاوتی که بازی‌ها با غیرشان دارند در این است که فرد را در یک موقعیت هم ذات‌پنداری با شخصیت‌ها و کاراکترهای بازی قرار می‌دهند. همانگونه که اشاره شد، بازی‌ها به یک بستر جدید زندگی با فرهنگ و احکام مخصوص به خود در دنیای مجازی تبدیل شده‌اند. زندگی‌ای که در عین مجاز بودن گاهی به قدری با حقیقت تلافی می‌یابد که سایه مجازش را بر سر حقیقت کشیده، مخاطبش را سنان در دنیای خود فرو می‌برد که جهان حقیقت مخاطبش به مجاز و آن دنیای مجازی به برقرار می‌کند و حتی به واسطه همین خود مجازی تا



حقیقت تبدیل می‌گردد و مخاطب غرق شده در زندگی جدید ساعت‌ها و روزها را در آن دنیای مدیریت شده به دست اصحاب ذلت سپری می‌کند.

خلق «خود مجازی»

در برابر «خود حقیقی»

در واقع شرکت‌های بازیساز به وسیله بازی‌هایشان برای مخاطبین خود امکان خلق یک شخصیت ثانی و یا یک آواتار و به بیان دیگر، امکان خلق یک «خود مجازی» را در مقابل «خود حقیقی» ایجاد می‌کنند و فرد به واسطه خود مجازش در دنیای مجازی یک زندگی موزای را تجربه می‌کند. زندگی موزای که در بسیاری از موارد بر زندگی حقیقی غالب می‌شود و در حقیقت هدف کمپانی‌های بازی‌سازی خود همین است که با خلق یک خود مجازی برای مخاطب بتوانند خود حقیقی وی را تحت کنترل قرار داده و به واسطه بر دنیای حقیقی‌اش تسلطه برقرار کرده و وی را به عنوان یک مهره و زورق در رسانیی تحقق اهدافشان بدل کنند. در اینگونه بازی‌ها در واقع این کاراکتر بازی نیست که

آرایش کرده، جام شراب نوشیده و به پارتی و یا ملاقات دوست سپرش می‌رود و حتی با او مغالزه و معاشرت می‌کند، بلکه آن کسی که این کارها را انجام می‌دهد «خود مجازی» بازی‌کننده است. در حقیقت این بازی‌کننده است که به سبب هم ذات‌پنداری با شخصیت‌های بازی و خود را در موقعیت آن شخصیت فرض کردن، «خود مجازی»‌اش را خلق می‌کند و با آن، آرایشی را که مناسب سن وی در «خسود حقیقی‌اش» نیست و یا با فرهنگ و سنت جامعه و خانواده‌اش سازگار نیست، انجام می‌دهد و یا به میهمانی‌های شبانه می‌رود و با جنس مخالف ارتباط برقرار می‌کند و حتی به واسطه همین خود مجازی تا روابط زناشویی شک و شبهه‌ای ندارد، سخن آنجاست که اینگونه آموزش‌ها باید توسط والدین و با معلمین و اساتید شایسته، با شیوه صحیح و در سنین مناسب انجام گیرد. این پندار که اینگونه بازی‌ها برای سرگرمی و یا آموزش هستند و در اینکه فضای مجازی مملو است از این گونه تصاویر و این بازی‌ها چیز جدیدی محسوب نمی‌شوند، یک خوش خیالی ساده‌اندیشانه است که نتیجه‌ای جز نادودی حیاه، غفت و پاک‌ی دختران امروز و مادران فردا و اولوگی آنان به ناهنجاری‌ها و مفاسد اخلاقی نخواهد داشت.

خصوصی‌ترین روابط زناشویی پیش می‌رود. مخاطب به واسطه شخصیت ثانی و خود مجازی در زندگی موزایش دست به اموری می‌زند که هیچگاه راضی نمی‌شود به وسیله خود حقیقی‌اش در زندگی حقیقی انجام دهد.

آنکه که فرد به وسیله «خود حقیقی‌اش» به بر انجام اموری جرأت یابد که به دلیل غیرمتعارف بودن و مغایرت داشتن با اخلاق، شرع و فرهنگ حاکم بر خانواده و جامعه وی و یا حتی به علت متضاد بودن با اصول اعتقادی و اخلاقی خود او، جزه خطوط قرمز آن فرد در دنیای حقیقی بوده‌اند، به تدریج این بی‌باکی را نیز بدست خواهد آورد که همان ناهنجاری‌ها را از خود مجازی به خود حقیقی‌اش تسری داده و در دنیای واقعی نیز بدان‌ها مبادرت ورزد، این همان مسئله و مدیریتنی است که صاحبان قدرت به واسطه اینگونه بازی‌ها اعمال می‌کنند.

تربیت دختران

با نگاه به جایگاه تاسف‌انگیز زن در غرب

که به دخترچیز به کمک این بازی‌ها می‌آموزد که چگونه با جنس مخالف رابطه برقرار کند، چگونه از خانه

۱- روزنامه کیهان، ۸ اسفند ۱۳۹۶

دستاورد پر ارزش سفر اربعین برای جامعه
اما زائران حسینی با روحی سیقل یافته به کشور باز می‌گردند معمولاً در ساده‌ترین مکان‌ها مثل چادرها و خانه‌ها و سکونتگاه‌های مردمی اقامت دارند و به دنبال غذاهای اشرافی و برند ...نیستند بسیاری از آنها خریدهای ساده دارند که مهر و تسبیح و جامناز در صدر این خریدها قرار دارد؛ بنابراین خروج ارز به مراتب کمتر صورت می‌گیرد. بسیاری از آنها برای رسیدن به مرز از اتوبوس‌ها و وسایلی نقلیه داخل کشور استفاده می‌کنند و موجب اشتغال‌زایی در صنعت حمل‌ونقل می‌شوند؛ علاوه بر آن به دلیل هجوم مسافران، برای برخی از مردم غرب و جنوب غربی نیز درآمدهای مناسبی به دست می‌آید.

عبور پیربرکت زائران خارجی اربعین از ایران

زائرین کشورهای دیگر نیز برای رسیدن به عراق، از مسیر ایران عبور می‌کنند؛ برخی مانند مسلمانان پاکستان، از جنوب شرقی و برخی مانند کشورهای اطراف شمال ایران، از مرزهای شمال عبور می‌کنند؛ بنابراین با بالا رفتن آمار ورود خارجی‌ها به ایران، از وارد کشور خواهد شد و برخی از کسب و کارها – هر چند به صورت محدود – رونق خواهد گرفت.

حماسه اربعین با هزینه دولت‌ها شکل نگرفته

در طول تاریخ و در زمان ما، این مردم بوده‌اند که با حمایت‌های خود هزینه‌های علمیه، مساجد و حسینیه‌ها را به پا داشته اند؛ حماسه بزرگ اربعین حسینی نیز با هزینه دولت‌ها شکل نگرفته که با هزینه نکردن آنها از بین برود و این مردم ایران و عراق و سایر کشورهای اسلامی بوده‌اند که با همکاری یکدیگر، این حماسه را که در زمان صدام جلوی برگزاری آن گرفته شد، یک بار دیگر زنده کردند.

موکب‌های اربعین با حضور و علاقه مردم است که امروز به زائران خدمت می‌رسانند نه با دستور و زورگوی دولت ایران و عراق. اگر امروز برخی از خدمات دولتی را در این حماسه بزرگ می‌بینیم دلایل دیگری دارد و بودن یا نبودن آنها، خللی در اصل این حماسه بزرگ ایجاد نمی‌کند.



بازدهی غیر قابل مقایسه به کارگیری امکانات و نیروهای کشور برای سفر اربعین

در تمام مسابقات فوتبال نیروهای امنیتی، نظامی و آتش‌نشانی باید حضور داشته باشند. به این مثال دقت کنید: «محمد دبیله» مدیر منطقه یک عملیات آتش‌نشانی تهران گفته بود که برای برگزاری مسابقه فوتبال پرسپولیس و السط، قلد، علاوه بر آماده‌باش ایستگاه ۲۰ آتش‌نشانی مستقر در مجموعه ورزشی آزادی، ۱۲ دستگاه خودروی سنگین در سنگاه خودرو سبک و ۵ دستگاه موتورسیکلت در پارکینگ‌ها، درهای اصلی ورودی و خروجی، تالار ورودی مجموعه ورزشی آزادی، معابر و بزرگراه‌های اطراف و مسیرهای منتهی به این مجموعه ورزشی، مستقر خواهند شد، ۵ نفر از آتش‌نشانان نیز با تجهیزات کامل و کلورهای سازمانی از ساعات پیش از شروع بازی، در نقاط تعیین شده مستقر می‌شوند و اوضاع ایمنی محدوده تحت پوشش خود را تا پایان بازی و تخلیه کامل مجموعه ورزشی و عادی شدن عبور و مرور، کنترل خواهند کرد؛ علاوه بر آماده‌باش نیروهای آتش‌نشانی، تعدادی از مدیران عملیاتی این سازمان با خودروهای خود به صورت گشتی‌به‌به بازدید از قسمت‌های مختلف مجموعه ورزشی و استقرار آتش‌نشانان می‌پردازند و تا اتمین تماشاچیان را به صورت مخفیانه به عهده‌دارند.

این فقط یک شمشت از خروار هزینه‌های است که از بیت‌المال برای برگزاری و تماشای فوتبال تأمین می‌شود؛ حالا باید حساب کرد که فصل مسابقات فوتبال در شهرهای مختلف کشور – لیگ برتر، جام حذفی، لیگ قهرمانان آسیا – چقدر هزینه بر دست بیت‌المال می‌گذارد؟ سایر رشته‌های ورزشی مانند والیبال و کشتی هم جای خود را دارد.

وظیفه پلیس راهنمایی و راهنندی نیز این است تا امنیت راه‌ها را برای مسافران تأمین کرده و از بروز فقرتهای خلاف قانون جلوگیری کند؛ این آمورتیت گاهی اوقات در سفرهای نوروزی و تابستانی برای کل کشور و در ایام اربعین در سفرهای غرب و جنوب غربی صورت می‌گیرد.

در اربعین نیز برخی از نیروهای امنیتی به زائرین یاری می‌رسانند، اما تفاوت ر آن کجا تا کجاست؟ آیا مسابقات ورزشگاه‌ها – که با وجود زحمات صورت گرفته گاهی اوقات مسایل ضد فرهنگی و ناهنجاری نیز در آن رخ می‌دهد – فرهنگ‌تر و نتایج آن بر اخلاق جامعه بیشتر است؟ یا زائران اربعین، روحیه ایثار و فداکاری و تعامل اجتماعی در کدام یک بیشتر تبلیغ می‌شود؟ کدام یک هزینه‌های بیشتری را بر بیت‌المال تحمیل می‌کند؟

حساسیت‌گزینشی

به اعتقاد به دخالت حداقلی دولت‌ها در اربعین حسینی هستیم – برخی از دیدمات ضروری امنیتی که برای مردم در سفرهای نوروزی و مسابقات ورزشی نیز صورت می‌گیرد، همچنین تصمیم‌گیری‌های درست در مورد لغو رواید و تأمین ارز و مانند آن می‌کتابت می‌کند – اما آیا همین عده که با هزینه کردن برای مراسم امام حسین علیه‌السلام در دهه محرم و ایام اربعین مخالف هستند و خود را نگران و حافظ بیت‌المال می‌دانند، نسبت به تشریفات محل کار خود، ضربه زدن به اموال عمومی، هنر رفتن وقت مردم و کم‌فروشی در کار آنها نیز تاین اندازه حساس‌اند؟

صفحه ۸

شنبه ۲۲ آبان ۱۳۹۷

۵ ربیع‌الاول۱۴۰۰ - شماره ۲۲۰۴۸

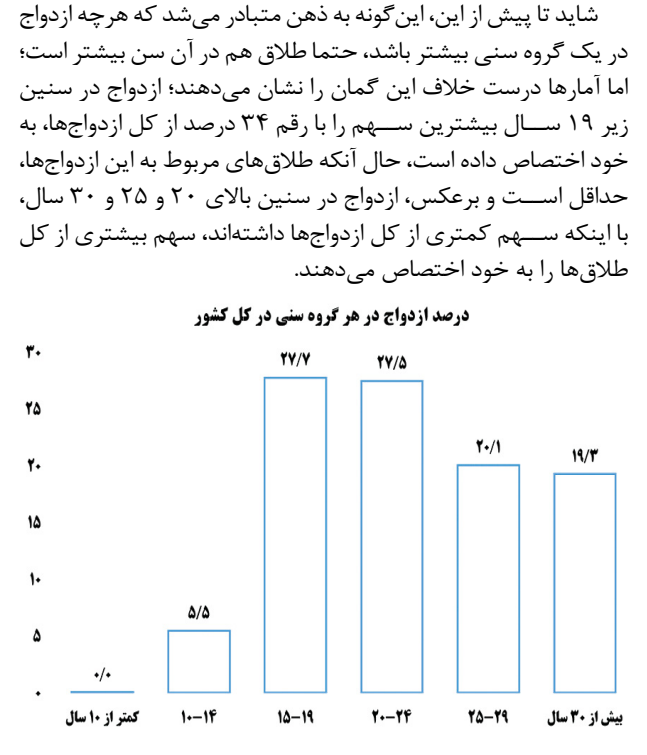
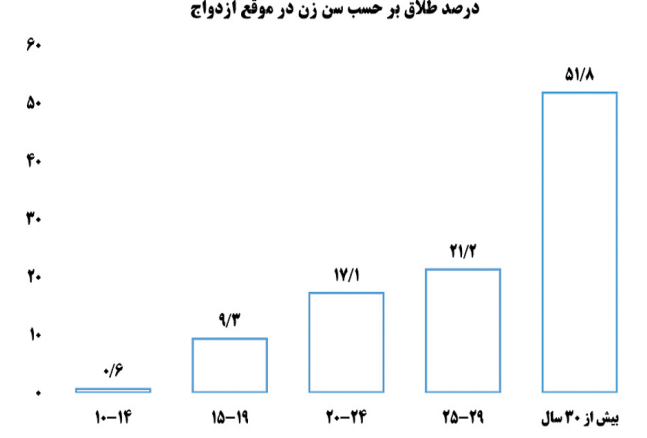
فرزندان در چه سنی ازدواج کنند؟ والدین بخوانند

امروزه همه نگرانی پدر و مادرهای ایرانی خوشبختی فرزندان در آینده است. آینده‌ای که البته تحت‌الشعاع هزینه‌های سرسام‌آور مسکن، ازدواج، تحصیل و رفاه قرار گرفته است. با این حال می‌توان راه‌هایی پیش روی فرزندان باز کرد که آن‌ها را در مسیر سخت زندگی با همواری نسبی مواجه کند.

گله‌های که از قدیمی‌ها به ما رسیده این است که «پول خوشبختی نمی‌آورد» هستند کسانی که برای خوشبختی فرزندان خود سال‌ها کار و تلاش می‌کنند و در یک مسیر سخت و طولانی، جگر گوشه‌های خود را در بهترین و گران‌ترین تالارها و با بهترین جهیزیه و جشن عروسی، عروس یا داماد می‌کنند، اما فقط پس از یک سال، همه امیدها رنگ می‌بازد و زوج جوان، بدون کمترین توضیحی از هم جدا می‌شوند. و این؛ کابوس امروز خانواده‌هاست که پس از ۲۵ یا ۳۰ سال زحمت برای فرزند خود، در کنار امکانات مناسب زندگی و شرایط مساعد، از عدم تفاهم فرزندان‌ش با همسرش خبردار می‌شوند.

در واقع آنچه که موجب این عدم تفاهم می‌شود، سن بالای افراد در هنگام ازدواج است. در سبک زندگی کنونی خانواده شهری ایرانی، به‌خصوص در شهرهای بزرگ‌تر، خانواده‌ها ازدواج فرزندان را تا رسیدن به یک شرایط مساعد مالی و شغلی به تأخیر می‌اندازند که به زعم خود، عروس و داماد با خیال راحت پا به خانه بخت بگذرانند؛ غافل از اینکه همین تأخیر چهار یا پنج‌ساله منجر به این می‌شود که مرد و زن جوان، کم‌تر رنگ خوشبختی را در زندگی خود احساس کنند.

هم‌اکنون میانگین سنن اولین ازدواج در جامعه شهری ایران برای دختران ۲۳/۴ سال و برای پسران ۲۷/۵ سال است [۱]. سال‌هایی که زوجین به اوج شکل‌گیری شخصیتی خود رسیده‌اند. اما یک باور غلط بین خانواده‌ها از سوی نخبگان دانشگاهی به صورت غیر کارشناسی رواج یافته است که برای ازدواج، دختر و پسر لازم است به شکل‌گیری کامل شخصیت پوشیده باشند؛ حال آنکه اگر کسی شخصیتش در دوران مجردی به طور کامل بگیرد، بسیار مشکل خواهد بود برای خوشایند و رضایت یک شریک زندگی، انعطاف لازم را به خرج دهد. درواقع زندگی زناشویی که مجموعه‌ای از گذشت‌ها و کوتاه‌آمدن و ناپدیدانگاری و ایثار در برابر شریک زندگی است، برای زن و مردی که می‌خواهند صرفاً مطابق تجربه زیسته و تجربیات شخصی و سبک زندگی منحصره‌فرد خود زندگی کنند، بسیار ناممکن و سخت خواهد بود، پدیده‌ای که از قضا، آخرین آمار ازدواج و طلاق منتشرشده در کشور موید آن است. مطابق گزارش سازمان ثبت احوال کشور، بیشترین سهم طلاق مربوط به ازدواج‌های زنان بالای ۳۰ سال است که ۵۲ درصد از کل طلاق‌ها را به خود اختصاص داده‌اند و کمترین سهم طلاق مربوط به ازدواج‌های زنان زیر ۱۹ سال است که فقط ۱۰ درصد از کل طلاق‌ها را شامل می‌شوند.



مطابق این آمار، عموم دخترانی که زیر ۱۹ سال ازدواج می‌کنند، نسبتب به عموم دخترانی که بالاتر از این سن ازدواج کرده‌اند، زندگی پایدارتری دارند؛ و این بدان معنی است که آن‌ها، بیش از سایرین سفیدبخت می‌شوند. و این پدیده نشان می‌دهد شاید بهتر باشد که خانواده‌ها، بیش از آنکه نگران زرق و برق جهیزیه فرزندان باشند، لازم است نگران سن ازدواج آنان باشند، زیرا جهیزیه به مرور زمان می‌تواند تکمیل شود، اما با بالا رفتن سن ازدواج و غالب‌شدن فردیت و خودخواهی دختران و پسران در رفتارهای زناشویی‌شان، علی‌رغم جهیزیه کامل و جشن ازدواج عالی، یک زندگی کامل و عالی شکل نخواهد گرفت. البته جای این نکته نیز باقی است که در سونامی طلاق کنونی جامعه، مجلس شورای اسلامی در طرحی بسیار عجیب قصد دارد، به دلیل فشار ندهادهای بین‌المللی، ازدواج دختران را در سنین ۱۵ و ۱۶ سالگی و کمتر از آن ممنوع کند، طرحی که هرچه می‌گذرد، آمارها نشان می‌دهند به مصلحت کشور و خانواده‌ها نیست.

۱- *پژوهشگر اجتماعی

۱- دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت «جدول‌های برگزیده پیوندان»، سازمان ثبت احوال کشور، تهران، ۱۳۹۷